

دکتر عاصمی پور مدیر ارشد حوزه نفت در گفتگو با "دنیای انرژی" مطرح کرد:

با ساخت پالایشگاه‌های فراسرزمینی توسعه پالایشگاه‌های داخل را کم رنگ نکنیم!

مریم میخانک بابایی - دنیای انرژی

مقدمه: ساخت پالایشگاه‌های فراسرزمینی موضوعی است که در دولت سیزدهم قوت گرفت و رفته رفته نیز با دیدارهای متعدد بین روسای صنعت نفت کشورها و مقامات، این موضوع عملیاتی گردید. اقدام وزارت نفت ایران در فاز اول برای انعقاد قرارداد با دو کشور ونزوئلا و اروگوئه در جهت راه اندازی پالایشگاه‌های فراسرزمینی و انتقال خوراک به این پالایشگاه‌ها و سهامدار شدن در آنها و همچنین انتقال خدمات فنی و مهندسی به آنها از جمله قدم‌های اولیه برای عملیاتی کردن این مجتمع‌ها بوده است. اما در اقدام بعدی ساخت پالایشگاهی در ازبکستان هم در دستور کار قرار گرفت که اخیراً از سوی جواد اوجی، وزیر نفت در حاشیه نشست اجلاس سران سازمان همکاری شانگ‌های مطرح گردید. این اقدامات و پالایشگاه‌های فراسرزمینی برای ایران با هدف افزایش فروش نفت و به نوعی بازسازی جدید برای مقابله با تحریم‌ها بوده است. چنین اقدامی از سوی مقامات حوزه نفت کشور به لحاظ ساختار برنامه ریزی برای فروش نفت و شناخت بازارهای جدید از یک سو و پیاده سازی مهارت‌های پالایشگاه سازی مهندسان ایرانی در دیگر کشورها، رویکرد جدیدی است که در دولت سیزدهم به کار گرفته شده است. اما طرح این سیاست و پیگیری روند آن منتقدینی را نیز به همراه داشته است. نقدهای متفاوتی که هر چند از اجرای سازنده این سیاست سخن می‌راند که علاوه بر فروش مستقیم نفت، ایران می‌تواند از اهرم قدرت ناشی از پالایشگاه سازی در دنیا بهره‌برد و این قدرت را در جهان هر چند به لحاظ جذب بازارهای دیگر، به رخ بکشد. البته با این رویکرد که چنین اقداماتی و اساساً حرکت در این مسیر که در کشور دیگری سرمایه گذاری تخصصی صورت بگیرد مایه مسرت است. اما نباید از اقتصاد داخل با نگاهی برون‌گرا که سرلوحه اقتصاد مقاومتی غافل شد. این واقعیت را نباید بگذاریم کم رنگ شود که کشور ما هم با وجود ذخایر غنی هیدروکربوری نیازمند سرمایه گذاری و تأسیس پالایشگاه و کسب ارزش افزوده از تولید است. در

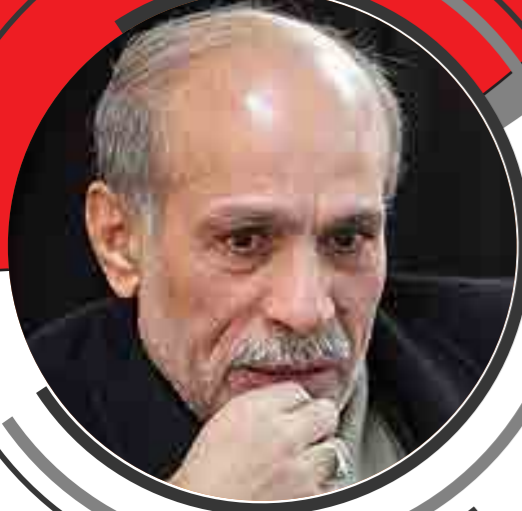
قرار می‌گیرد که تامین برق نیروگاه‌ها را به دلیل کمبود سوخت با مشکل تامین مواجه می‌کند. از سوی دیگر کمبود مجتمع‌های پالایشی برای تولید فراورده‌های مورد نیاز مردم مانند بنزین و گازوئیل نیز دیگر مشکلاتی است که ما را در ماه‌هایی از سال‌ها با موضوعات تامین انرژی مواجه می‌کند که شاید اگر سال‌های قبل چاره‌اندیشی برای احداث مجتمع‌های پالایشی می‌کردیم، حداقل امروز با اطمینان خاطر بیشتری از اجرای سیاست‌های جدیدی در خارج از مرزها صحبت می‌کردیم. دکتر جواد عاصمی پور استاد بازنشسته دانشگاه صنعت نفت و مدیرعامل ملی حفاری، مناطق نفت‌خیز، شرکت نیکو و طراح و مجری بورس نفت در زمینه ساخت پالایشگاه‌های فراسرزمینی و تجارت انرژی ایران، گفتگویی را با ماهنامه دنیای انرژی انجام داده است تا به ارائه نقطه نظرات کارشناسی در زمینه ضرورت‌های احداث پالایشگاه‌های فراسرزمینی بپردازد که این نقطه نظرات را در ادامه می‌خوانید.

واقع‌بینانه‌ترین نقدی که به موضوع ساخت پالایشگاه‌های فراسرزمینی می‌شود، نگاه به این هدف گذاری است که شاید بد نباشد علاوه بر اجرای سیاست ساخت پالایشگاه فراسرزمینی تأملی همراه با نگاهی به اولویت‌ها و ضرورت‌های پالایشگاه سازی کشور را هم داشته باشیم؛ موضوعی که در صنعت نفت ایران به غفلت سپری شده و با وجودی که مصرف انرژی کشور هم تنها از سوخت‌های فسیلی است و اگر در سال‌های پیش رو هم این مهم را به تأخیر بندازیم با گرفتاری‌های عدیده‌ای به لحاظ تامین سوخت مواجه خواهیم شد. به طوری که اگر امروز با کمبود سوخت مورد نیاز مصارف خانگی و صنایع البته فارغ از موضوعات بهینه سازی مصرف سوخت، مواجه هستیم، به دلیل کم‌اهمیت دانستن توسعه پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها در کشور و توسعه زنجیره ارزش در بخش بالا دست صنعت نفت بوده است. کمبود سوخت در فصول مختلف سال به چشم می‌خورد و کمبود منابع گاز در زمستان نیز سال به سال به قدری در شرایط بحرانی

اساساً وضعیت سرمایه گذاری و احداث واحدهای جدید پالایشی در اقتصاد نفت ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید و شما به عنوان کارشناس این حوزه که سوابق گسترده‌ای را هم در پیشبرد و هدایت پروژه‌های نفتی و حتی تجارت نفت داشتید چگونه تشریح می‌کنید؟

در ابتدا باید گفت که دیدگاه و تمرکز برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به رشد و پیشرفت این بخش‌ها به شیوه‌ای برابر و همسو معطوف می‌شود. به عبارت واضح‌تر، ضمن توسعه هر بخش، به نوعی هم‌افزایی در بخش‌های مختلف دیگر باید ایجاد شود که در نهایت بگوییم یک برنامه جامع و هدفمندی اجرایی شده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که برنامه‌هایی مربوط به توسعه کشورها متفاوت است و در کشورهایی مانند ما که اقتصاد آنها بر محور انرژی و منابع محدود بنا نهاده شده است، برنامه‌های توسعه‌ای با دشواری گسترده‌ای مواجه است. به عبارتی، کشورهایی که با لشکر بیکاران مواجه است قاعدتاً تکیه آن‌ها بر برنامه‌هایی است تا بتوانند از این حجم بیکاران کم کنند و یا اشتغال زایی را به عنوان شاخصه‌های اقتصادی مطرح کنند. در حوزه سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران به دلیل بالا بودن نرخ بیکاری در کشور، سیاستگذاران سعی در اجرای برنامه‌هایی دارند تا بتوانند حداقل از حجم بیکاری کم کنند که البته همانطور که شاهدیم سال‌ها برنامه‌های متعددی بویژه در صنعت نفت تعریف کردیم اما متأسفانه به این حجم بیکاری هم افزوده شده است. از طرفی هم باید به دو اصل دیگر توجه نمود: وجود تحریم‌های اقتصادی و ضرورت رسیدن به خودکفائی در کالاهای اساسی از جمله فرآورده‌های نفتی در داخل و سیاست ایجاد ارزش افزوده به جای خام فروشی است.

با این مقدمه کوتاه می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که در کشور ما و بر اساس سند توسعه افق ۱۳۹۴ که به تصویب شورای عالی مصلحت نظام هم رسید، مصوب شد که ما باید به تولید هفت و نیم میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی در روز برسیم تا بواسطه آن بتوانیم ۷ درصد از انرژی مورد نیاز جهان را تأمین و ۱۴ درصد از سهم اوپک را به ایران اختصاص دهیم؛ همچنین بواسطه این سند توسعه‌ای قرار بود پالایشگاه‌ها را به ظرفیت تولید ۲.۵ میلیون بشکه نفت برسانیم و در افق ۱۴۰۰ نیز این ظرفیت را به ۳.۵ میلیون بشکه در روز پالایشگاهی برسانیم. در پرتوشیمی نیز به تولید سالانه بیست میلیارد دلار برسیم تا نقش اول در منطقه را داشته باشیم. همچنین در تولید گاز نیز به ۱/۴ میلیارد مترمکعب تولید روزانه برسیم. در این سند مذکور ده پالایشگاه جدید تعریف شده بود و همچنین می‌بایستی پالایشگاه‌های موجود اعم از آبادان ارتقا کیفی پیدا کند. به عبارتی قرار بود ظرفیت موجود پالایشگاه آبادان به ۶۰۰ هزار بشکه در روز ارتقا یابد. و پالایشگاه جدیدی تحت عنوان پالایشگاه خوزستان



با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه و با استفاده از نفت خام تولیدی میدین غرب کارون و صرفاً برای صادرات به عراق احداث گردد. پالایشگاه‌های حوزه شمال کشور تأسیس و نفت خام آسیای میانه به عنوان خوراک این پالایشگاه‌ها را به مصرف برسانیم، تا مشکل سوخت رسانی نواحی شمالی کشور در زمستان برطرف شود. نفت را به آسیای میانه سوآپ کنیم تا مشکل سوخت رسانی نواحی شمالی کشور در زمستان برطرف شود. اما چه اتفاقی افتاد؟ دیدیم که متأسفانه با یک تفکر اشتباه و ناهجا متحمل میلیاردها دلار زیان و آسیب مالی شدیم. به بیان دیگر؛ مسئولین و دست‌اندرکاران این حوزه در تدوین سند افق ۱۳۹۴، با اشاعه تفکر عدم اقتصادی بودن ایجاد و تأسیس پالایشگاه‌ها، بزرگ‌ترین ضربات را بر پیکره اقتصاد کشور وارد کردند. سندی که نتیجه آن علاوه بر افزایش تولید نفت موضوع بیکاری در کشور را تا حدودی حل می‌کرد.

۶۶

بیژن زنگنه یک جبری را در اقتصاد صنعت نفت جا انداخت که پالایشگاه سازی موضوعی غیر اقتصادی است. فرمول سازی کردند و توجهی به توسعه نفت و پالایشگاه سازی نشد. به اعتقاد من این خیانتی به صنعت نفت و منابع عظیم هیدروکربوری کشور است

۹۹

وستنگاپور ۲۵۰ میلیون بشکه در روز است این یعنی مفهوم واقعی تجارت انرژی.

اینکه به ساخت پالایشگاه در ونزوئلا می اندیشیم بایم فکر کنیم سوآپ نفتی ما که قرار بود کریدور ترانزیت پالایشگاهی تا ۵۰۰ هزار بشکه انجام شود به کجا رسید؟ آپگرید کردن پالایشگاه ها به کجا رسید؟ از آن مهم تر با این لشکر بیکاران که روز به روز بر تعداد آن ها افزوده می شود چه کار می توانیم انجام دهیم؟ می گویند برای کشورهایی که دارای لشکر بیکاران هستند اگر کاری کنیم که عده ای از آن ها اول صبح گودالی را حفاری کنند و شب عده دیگر آن را پر کنند تا حدودی مشکل بیکاری حل می شود. یعنی با اقداماتی در داخل و اجرای حداقل همان برنامه هایی که روزی نشستیم و تصمیم

درمدرس هند، یک پالایشگاه ویک پتروشیمی راسهام داشتیم ودرمیدان رام بایی پی شریک بودیم، ودرمیدان شاه دنیز آذربایجان هم ۱۰ درصدسهم گرفتیم. من درنیکو مدیریت این سهام را برعهده داشتم. بررسی کنید ببینیدچه اتفاقی برای آن ها افتاده است...

شاید تقویت سازوکار تجارت انرژی است که این تصمیم را تقویت کرده است؟

همین الان در دنیا شاهد هستید تجارت نفت دنیا و کلا تجارت انرژی را کشورهای انجام می دهند که اصلا نفت ندارند. یعنی می شود بدون نفت هم تجارت نفت انجام داد. کل تولیدات نفت جهان ۱۰۰ میلیون بشکه در روز است اما حجم تجارت نفت دربورس لندن ونیویورک

وسرازگردونه فعالیت خارج وبه چندمحموله قیر، گوگردو... اکتفاء کرده و به گونه ای کشوررا سرکار گذاشته است. صدورخدمات فنی ومهندسی که واقعا جز قابلیت های کشورماست. اما نیروی کار فنی و مهندسی امکانی را برای فعالیت در داخل نمی بینند این است که ما در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی قابلیت داریم. ببینید ما در داخل امکانی برای ساخت پالایشگاه ها و ارتقاء کیفیت آن ها فراهم نکردیم وپروژه پتروپالایشگاه ها را به حال خود رها کرده ایم درحالی که ۷۰ درصد از حدود سه هزارشرکت موجود در کشور بیکار هستند و ما احداث پالایشگاهها را درفراسرزمنی دنبال می کنیم؟! بحث تامین خوراک هم منتفی است، اولا امروزطراحی پالایشگاهی تابعی ازخوراک نیست، و با روش های BELENDING وسایرروش ها، می توان هرخوراکی را برای پالایشگاه ها تامین کرد. ضمنا اگر تحریم هستیم، چگونه خوراک این پالایشگاه ها را می توانیم با انتقال انجام دهیم. اگر انتقال و تجارت نفت شرایط خوبی دارد پس چرا صادرات ما کم است؟! موضوع غم انگیزی است که ما در حال حاضر ساخت ۱۰ پالایشگاه در کشور را متوقف کردیم و از طرفی دغدغه ساخت پالایشگاه فراسرزمنی در ونزوئلا و دیگر کشورها را داریم.

در مورد ساخت پالایشگاه های متوقف شده بگویید.

قرار بود قبل از جنگ، سه فاز پالایشگاه آبادان با افزایش ظرفیت تولید، به ۶۰۰ هزار بشکه برسد که متأسفانه همچنان معطل باقی مانده است. همچنین پالایشگاه خوزستان دوم تعریف شد تا فرایند نفت خام غرب کارون را از نفت سنگین با ۲۳ درجه API تا نفت سبک با ۳۷ درجه API را پالایش کند و همه فرآورده صادر شود. در واقع ما که دارنده ذخایر بزرگ هیدروکربوری جهان هستیم چرا این سرمایه گذاری را در داخل توسعه نمی دهیم؟ اگر پول داریم که بتوانیم پالایشگاه بسازیم چرا این کار را در داخل کشور پیش نمی بریم؟ با چه رویکردی می خواهیم پالایشگاه سازی را خارج از مرزها توسعه دهیم درحالیکه یکی از نیازهای اصلی کشور تامین سوخت است؟

یعنی می گوئید ما راهی که انتخاب کردیم اشتباه است و باید با تامل بیشتری نسبت به این موضوع نگاه کنیم؟

این کار مثل این است که ما یک روز تصمیم می گیریم و اجرا می کنیم و باید بیست سال پاسخگوی آن تصمیم باشیم که چرا اصلا چنین تصمیمی گرفتیم. آیا بیست سال بررسی کردن کافی نبود که حالا بایم و یک روز تصمیم بگیریم و به توسعه و ساخت پالایشگاه و تکمیل طرح های داخل کشور اقدام کنیم؟ این که خیلی بهتر است برویم در ونزوئلا پالایشگاه بسازیم و پس از بیست سال پاسخگو باشیم که چرا چنین تصمیمی گرفتیم. قطعاً روزی از تصمیم انجام ساخت پالایشگاه فراسرزمنی پشیمان می شویم. قبل از انقلاب

می توانیم بگوییم که نبود منابع مالی مانع اجرایی شدن طرح ها و برنامه های گذشته بوده است؟

اگر منابع مالی نداریم پس چگونه درصدد ساخت پالایشگاه در کشورهای دیگر هستیم. به چه دلیل سیاست ساخت پالایشگاه فراسرزمنی را مطرح می کنیم؟ درونزوئلا که خودعظیم ترین ذخائرذخای نفت خام رادارد. آنهابرفایضاتامین مالی این بحث را به ما مطرح می کنند، که خود شدیداً بدان نیازمندیم.

سیاست ساخت پالایشگاه فراسرزمنی بیشتر برای موضوع تجارت انرژی است ...

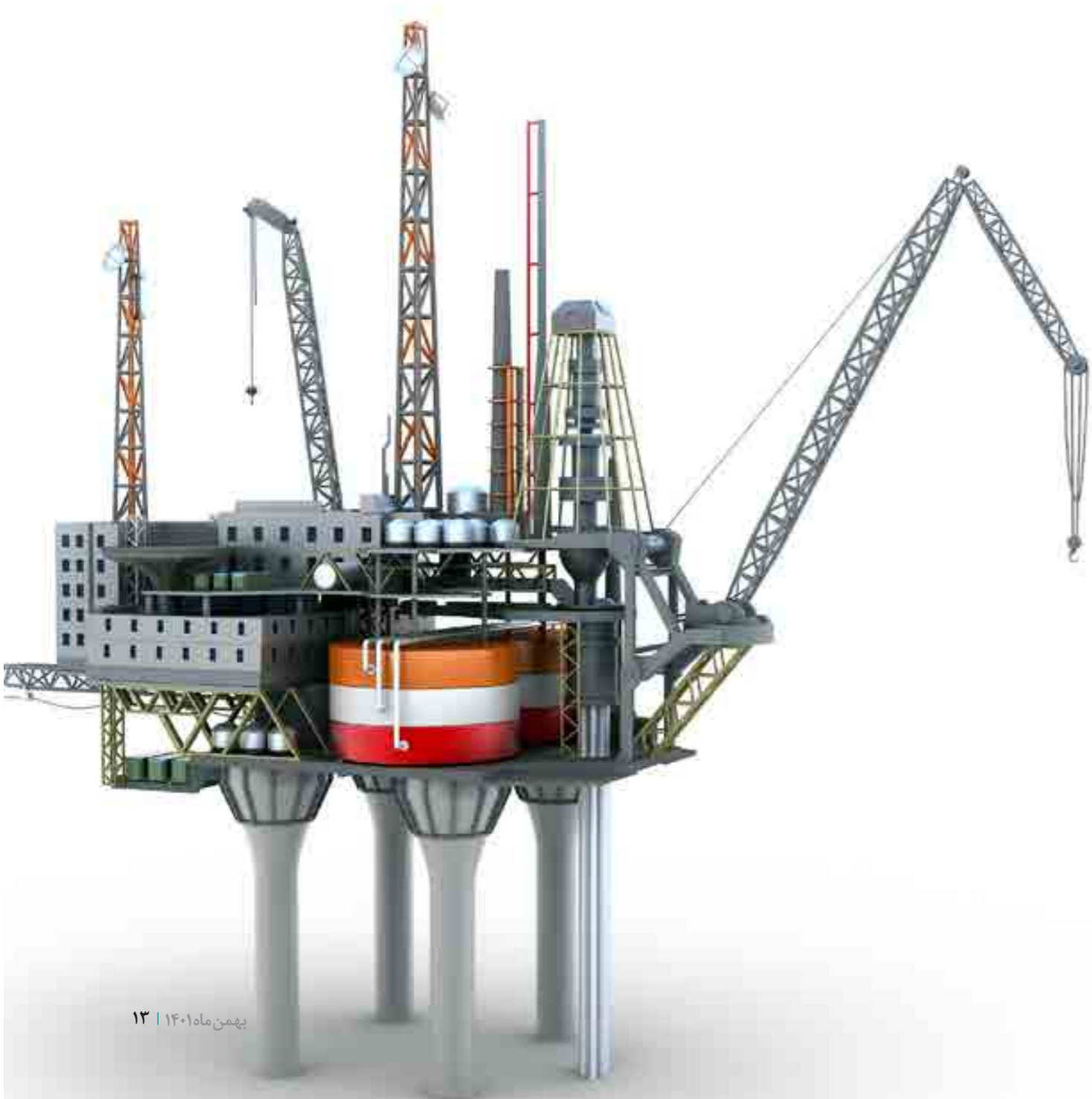
ببینید، اینکه ما بخواهیم پالایشگاه فراسرزمنی را پیاده سازی کنیم تا از یک طرف تجارت انرژی را توسعه دهیم و از طرف دیگر راهی برای دور زدن تحریم ها داشته باشیم باید عرض کنم که من در دوره تحریم های قبل از برجام مدیرعامل شرکت نیکو بودم. در آن زمان سالانه ۲/۵ میلیارد دلار پول با وجود تحریم ها از طریق فروش نفت خام وارد کشور می شد. هشت میلیارد دلار فرآورده های نفتی خریداری وبه کشورارسال می کردیم. پس می شود در زمان تحریم هم تجارت انرژی داشت و نمی شود فقط به بهانه تحریم ها بگوییم بهتر است برویم و در ونزوئلا پالایشگاه بسازیم.

موضوع سه گانه تقویت ساخت داخل مطرح است که در صورت توجه می تواند به تجارت انرژی و توسعه نفت کمک کند. این موضوعات عبارت است از: تجارت نفت که جایگاه آن دربورس نفت است که در سال ۸۴-۸۳ بنده مسئول طراحی، اجرا وراه اندازی آن بودم باید عرض کنم که چون وزارت نفت نمی خواهد امپراطوری قدرتش در فروش نفت را رها و به بورس واگذار کند، آن را ناکارآمد کرده

“

اگر منابع مالی نداریم پس چگونه درصدد ساخت پالایشگاه در کشورهای دیگر هستیم. به چه دلیل سیاست ساخت پالایشگاه فراسرزمنی را مطرح می کنیم؟ موضوع غم انگیزی است که ما در حال حاضر ساخت ده پالایشگاه در کشور را متوقف کردیم و از طرفی دغدغه ساخت پالایشگاه فراسرزمنی در ونزوئلا و دیگر کشورها را داریم

”



گرفتیم تا اجرا کنیم و نکرديم می توانستيم به خیلی از نیازهای واقعی مان پاسخ دهيم.

غرب کارون ما با یازده میدان نفتی جدید آماده بهره برداری باتولید یک میلیون ودویست هزار بشکه نفت در روز است اما حاضر نیستیم این میادین که ۶۰٪ آنها مشترک است را در پالایشگاه خوزستان سرمایه گذاری کنیم در حالیکه به فکر انجام پروژه در خارج از مرزها هستیم.

حال اگر نخواهیم به تاسیس پالایشگاه های جدید بیااندیشیم، نظر تان در مورد ارتقاء کیفی پالایشگاه های موجود چیست؟
معادله بسیار ساده ای است. ما باید شرایط داخل را بیشتر تقویت کنیم و بعد به فکر خارج کردن سرمایه و گسترده کردن فعالیت های این چینی باشیم. پانزده سال قرار است که پالایشگاه های موجود را آپگرید کنیم. البته تکنولوژی آپگرید کردن بسیار پیچیده است. برای این موضوع نیازمند سرمایه گذاری هستیم که در چشم انداز توسعه افق ۱۳۹۴ دیده شده بود. در این چشم انداز مطرح شد که برای تحقق سند، نیازمند صرف هزینه‌ای بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار جمعاً برای توسعه بخش بالادستی وپایین دستی تا پایان سال ۱۴۰۴ هستیم تا نهایتاً به ایده‌هایی که در سال ۱۳۹۴ داشتیم برسیم. اما ببینیدسرنوشت آن سند به کجا رسید!؟

چهارصد میلیارد دلار برای توسعه بخش بالادست و پایین دست صنعت نفت ،گاز و پتروشیمی نیاز داریم. برای بخش بالادستی که تولید نفت و توسعه میادین جدید است تا نفت پالایشگاه ها را تامین کند. در میادین غرب کارون که شصت درصد میادین مشترک ما با کشورعراق است بیش از گذشته باید مورد توجه قرار گیرد. چون شرکت هایی مانند سینوپک و شرکت چینی CNPCI درحال برداشت نفت از این میادین هستند. این میادین در جوار ۲۵ کیلومتری خرمشهر قرار دارد و در این منطقه میادین مشترک وجود دارد. اگر امروز سرمایه گذاری را شروع کنیم حداکثر پنج سال دیگر فرصت برداشت از این میادین به ما می رسد، ولی عراق در حال برداشت نفت از این میادین است. این برداشت نفت عراق از میادین مشترک، ما را یاد میادین مشترک گاز با قطر می اندازد که این کشور هم در حال برداشت گاز از میادین مشترک است و ما قبلاً نگران برداشت گاز اضافه قطر از این میادین بودیم و به تکاپو افتادیم تا در برداشت گاز از قطر عقب نیفتیم؛ حالا می بینیم میادین مشترک نفتی هم داریم که در حال برداشت است و ما کاری نمی کنیم. سوالی که مطرح می شود این است که آیا می خواهیم چند سال بعد در مورد میادین مشترک نفتی مان غبطه بخوریم که عراق در حال استحصال نفت بیشتر از این میادین مشرک است؟ یعنی نفتی که بخشی از آن متعلق به ماست اما به دلیل سو مدیریت و بی توجهی فقط شاهد

و نظارگر برداشت آن هستیم و میادین را به حال خود رها کردیم، درحالیکه می توانیم روی آن ها تمرکز کنیم. باید گفت که متاسفانه آن قدم خاص و مؤثر در راستای رشد و توسعه کشور برداشته شد. نکته دیگری که علاقمندم مطرح کنم این است که هم اکنون به دلیل افت فشارمیادین گازی پارس جنوبی برای مدیریت صیانت از آن ها و افزایش ضریب بازیافت اولیه ،ثانویه وثالثیه وپروژه های ترزیق گازبه میادین ، وپروژه های فشارافزائی نیازمند فعالیت های عظیم ومنابع مالی گسترده درداخل است .

گفته می شود این طرح پالایشگاه سازی فراسرزمینی در واقع اقدامی مؤثر در صدور خدمات فنی و مهندسی است؟
۷۰ درصد ظرفیت مهندسی کشور ما بیکار هستند که با ساخت پالایشگاه و توسعه این صنعت می توانیم به نیاز بخش عظیمی از این مهندسان پاسخ دهیم. مطمئن باشیدجهان خدمات فنی مهندسی ما را به شرط تامین مالی می خواهند.

این توجیهی که جهان به سمت سوخت پاک و سوخت های غیرفسیلی می رود آیا می تواند دلیلی باشد که ما خیلی به فکر توسعه صنعت نفت نباشیم؟

بر طبق برآوردها گفته اند تاسال ۲۰۳۰ میلادی اگر استفاده از انرژی اتمی به ۳۰۰ درصد رشدکند، انرژی های فسیلی به دلیل ارزان بودن ،همچنان حدود ۷۰تا ۷۵ درصداتکاء امنیت انرژی جهان رابخود اختصاص داده است. همچنین بسیاری ازکشورهای تولیدکنندگان امروز نفت وگاز به مصرف کنندگان فرداتبدیل می شوند. یعنی هنوز

و

اینکه به ساخت پالایشگاه در ونزوئلامی اندیشیم بیاییم فکر کنیم سوآپ نفتی ما که قرار بود کریدور ترانزیت پالایشگاهی تا ۵۰۰ هزار بشکه انجام شود به کجارسید؟ آپگرید کردن پالایشگاه ها به کجارسید؟ از آن مهم تر با این لشکر بیکاران که روز به روز بر تعداد آن ها افزوده می شود چه کار می توانیم انجام دهیم؟

و

۷۵ درصد امنیت انرژی جهان به استفاده از سوخت های فسیلی است و ما دومین کشور منابع فسیلی در منطقه هستیم که متاسفانه در زمینه توسعه آن غفلت کردیم. حالا هم که فهمیدیم غفلت کردیم که دیگر نباید برویم تمرکزمان را به جای دیگری معطوف کنیم و برای ونزوئلا و یا دیگر کشورها پالایشگاه سازی کنیم. اگر علاقمند به سرمایه گذاری هستیم از همین جا شروع کنیم. اگر پول و سرمایه داریم همین جا به کار بگیریم. اتفاقاً ما به دلیل تحریم ها و محدودیت های بین المللی باید تمرکزمان را به منابع داخلی ببریم و این بخش ها را تقویت کنیم، واین درحالی است که خود ما نیازمند استفاده ازبازارهای مالی جهانی آن هم درشرایط تحریم هستیم. ما باید تصمیمات و تدابیر ویژه و هدفمندی را در زمینه صنعت نفت و تولیدات نفتی بگیریم و از سرمایه‌ها و منابع ملی خود حداکثر بهره اقتصادی را ببریم چرا که بندناف امنیت جهانی به ما متصل است و ما بایدسهم ۱۴ درصد از کل بازار اوپک را به خود اختصاص دهیم تاجایگاه قدرتمان در اوپک ومعادله امنیت انرژی جهان را بازپس گیریم .

بیژن زنگنه وزیر نفت سابق خیلی اعتقادی به ساخت پالایشگاه و سرمایه گذاری در این بخش نداشت. ازتاثیر این تفکر مدیریتی بگویید.

بیژن زنگنه یک جبری را در اقتصاد صنعت نفت جا انداخت که پالایشگاه سازی موضوعی غیر اقتصادی است. فرمول سازی کردند و توجهی به توسعه نفت و پالایشگاه سازی نشد. به اعتقاد من این خیانتی به صنعت نفت و منابع عظیم هیدروکربوری کشور است که ما در اختیار داریم. تمام کارهایی که انجام دادیم بعدا پشیمان شدیم. مثلاً همه افتخارات ما و تمام دولت های گذشته تاکنون این بوده است که گازرسانی بخصوص براساس انرژی پاک ودولت رفاه را توسعه دهیم. یعنی دولت ها به گونه ای دولت رفاه شدند. با ایده گازرسانی سراسری هر کدام این را از افتخاراتشان در نظر گرفتند.البته مشکلی نیست گاز رسانی کردند اما حالا که به اینجا رسیدند چرا به مردم می گویند مصرف نکنند چون گاز کم است تامین منابع گاز با مشکل مواجه شده است. گاز صنایع را قطع می کنیم چون نمی توانیم به اندازه کافی ، گاز خانگی و صنایع را تامین کنیم. گاز لازم برای تزریق به میادین نفتی برای فشارافزائی وصیانت ازمیادین نفت، نداریم و این موضوعات ما را با چالش اساسی مواجه کرده است .درحالی که بجای تولید روزانه ۴/۱ میلیارد مترمکعب که قراربود درافق ۱۳۹۴ برسیم ،امروز به ۷۵۰ تا ۸۰۰ میلیون مترمکعب رسیدیم ،و باز هم مردم را مقصرمی دانیم ،مردم را اول معتادبه مصرف گازی کنیم وباتبلیغات آن رای اعتماد ازمجلس می گیریم و بعد می خواهیم آنهارامحروم وپاهزینه مصرف رابرای آن ها افزایش دهیم . حال این جا سنوالی مطرح می شود، پس چطور شد روزی گازرسانی سراسری را از افتخاراتمان در نظر گرفتیم اما الان می گوییم مصرف نکنید چون

گاز کم است؟ چرا قبلاً به این روزها فکر نکردیم؟

باز تکرار می کنم تصمیم گیری باید با درایت و تامل باشد. نه اینکه سال ها از تصمیمات عملی شده اظهار پشیمانی کنیم که متوجه شویم اشتباه کردیم درحالیکه می توانستم قدم های بهتری برداریم. امروزهم می خواهیم به غلط وبه اشتباه تنگه هرمز،گوره وخارگ که ازمولفه های قدرت ما است رادوربینیم وبابهانه عمران سواحل مکران خط لوله ۱۰۰۰کیلومتری ازجنوب تابندرجاسک برای صادرات نفت خام را اجراکنیم .درحالی که بجای آن می توانستیم صنایع موجود درشرق کشورمثل کرمان،یزدواصفهان رابه آنجا منتقل کنیم ومشکل نیازبه آب این صنایع راحل کنیم وپروژه اشتباه انتقال آب از خوزستان به شرق کشور را به زباله دان تاریخ بسپاریم و این مشکل سیاسی دراین استان راحل کنیم. تاکی بایدمرثیه های برتصمیمات غلط رابسراییم .

و توضیحات پایانی ...

درپایان بایدعرض کنم که تئوری پالایشگاه های فراسرزمینی مثل همان ایده غلط آقای روحانی درمورداجاره مزارع فراسرزمینی تایلندبود و تعطیلی مزارع خودمان شد، توان مدیریت آب نداریم وصورت مسئله راپاک می کنیم. ما این همه شرکت بیکارداریم و هم اکنون شرکت چینی مجری فاز دوی پالایشگاه فعلی آبادان است و بعد صحبت ازصدورخدمات فنی مهندسی وپالایشگاه فراسرزمینی می کنیم.میدان جزیره مینو قراربود درسال ۱۳۹۷ به بهره برداری برسد، فاز۳ میدان دارخوئن سال ها ازموعد بهره برداری اش گذشته است،کی قراراست سرنوشت این پروژه های عقب افتاده راتعیین کنند .آیاونزوئلا حاضراست منابع مالی رابیابورد و این پروژه هارا اجراکند که مامی خواهیم پروژه های آن ها را با منابع مالی نداشته پالایشگاه های ونزوئلا راه اندازی کنیم؟ من ۳۰سال پیش مسئول پروژه عظیم خط لوله انتقال نفت وگازبه اروپا بودم .همه مطالعات انجام شدکه متاسفانه آقای زنگنه ،پروژه کرسنت وتوسعه میدان سیری رابرای انتقال گازبه امارات مطرح، و پروژه مزبوررامتوقف کردند. امروزدربحث اوکراین و برای انرژی اروپا متوجه می شویم که اگرپروژه را اجرا می کردیم به مفهوم واقعی مدیریت فراسرزمینی انرژی و ابعاداقتصادی، امنیتی وصدورخدمات فنی مهندسی آن می رسیدیم و بوسیله آن بند ناف امنیت انرژی اروپا را به اقتصادانرژی خودگره می زدیم و به عنوان یک مولفه قدرت امروزبازیگرصحنه این درگیری می شدیم و بی شک برتسریع درتوافق برجام هم اثرمی گذاشت. یادبگیریم که مدیریت بیست سئوال ویکروزتصمیم بهترازمدیریت یکروز تصمیم و بیست سال سئوال است وخط بطلان برپالایشگاه های فراسرزمینی بکشیم ونیم نگاهی به توسعه نفت،گازوپتروشیمی خودمان بیندازیم .